

## بررسی نقش پیش بینی‌کننده سبک‌های فرزندپروری در هوش هیجانی دانش‌آموزان

دولت شایف<sup>۲</sup>

\*نازنین خواجه<sup>۱</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** هوش هیجانی از طریق مدیریت موثر و استفاده از هیجان‌ها در انگیزش و برقراری ارتباط موثر، در تمامی ابعاد زندگی فردی نقش دارد. مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده سبک‌های فرزندپروری در هوش هیجانی دانش‌آموزان انجام شد. **روش بررسی:** پژوهش حاضر مطالعه مقطعی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی شهر گرگان در سال ۸۹-۱۳۹۰ بودند که با نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۳۸۷ نفر (۱۹۶ دختر و ۱۹۱ پسر) انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد هوش هیجانی Bar-on و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری Baumrind استفاده شد. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۰ تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد سبک‌های فرزندپروری والدین رابطه معنی‌داری با هوش هیجانی دانش‌آموزان داشت و به طور مشترک ۰/۸۷ از واریانس، متغیر هوش هیجانی را پیش‌بینی کرد. همچنین سبک فرزندپروری مقتدر قوی‌ترین پیش‌بین هوش هیجانی که با مقدار پیش‌بینی‌کنندگی مثبت ۰/۷۱، در دانش‌آموزان بود. سبک‌های فرزندپروری مستبد و آسان‌گیر نیز به صورت منفی به ترتیب ۰/۶۲ و ۰/۲۶ درصد از تغییرات هوش هیجانی را تبیین کردند. **نتیجه‌گیری کلی:** بر اساس نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر، سبک‌های فرزندپروری عامل مهمی در پیش‌بینی هوش هیجانی دانش‌آموزان هستند. لذا پیشنهاد می‌شود جهت تقویت هوش هیجانی دانش‌آموزان، مشاوران مدارس به آموزش سبک‌های فرزندپروری مناسب برای والدین بپردازند.

**کلیدواژه‌ها:** هوش هیجانی، آموزش، انگیزش

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۳۰

<sup>۱</sup> دکترای روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی تربیتی، پژوهشگاه رشد معارف، آکادمی تحصیلات تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان (\*نویسنده مسئول). شماره تماس: ۰۹۱۱۱۷۱۸۹۶۱ Email: Nazanin.Khajeh@yahoo.com  
<sup>۲</sup> دکترای روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی تربیتی، پژوهشگاه رشد معارف، آکادمی تحصیلات تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان.

## مقدمه

دانش آموزان هر جامعه، نیروی انسانی و سازندگان فردای آن هستند. از این رو سلامت جسم و روان آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است<sup>(۱)</sup>. امروزه هوش هیجانی به عنوان عامل پیش بینی کننده سلامت روانی، اجتماعی، موفقیت تحصیلی و شغلی از اهمیت شایانی برخوردار است<sup>(۲)</sup>. از دیدگاه Goleman هوش هیجانی نوعی از هوش است که در هنگام تصمیم گیری‌های مناسب در زندگی استفاده می‌شود و برخاسته از شناخت احساسات خویشتن است<sup>(۳)</sup>. قابلیت‌های هوش هیجانی برای مدیریت هیجان و اداره ماهرانه روابط، بسیار اساسی است و افراد جهت فائق آمدن بر چالش‌های زندگی، باید مولفه‌های هوش هیجانی خود را پرورش دهند<sup>(۴)</sup>. افراد با هوش هیجانی بالاتر دارای سلامت جسمی و روانی بالاتر<sup>(۵)</sup>، توانایی حل مساله بیشتر<sup>(۶)</sup> و عملکرد آکادمیک موفق‌تری<sup>(۷)</sup> هستند.

سبک‌های فرزندپروری یکی از عواملی است که می‌تواند در هوش هیجانی تاثیر داشته باشد و مجموعه روش‌هایی هستند که به صورت منفرد یا در تعامل با یکدیگر بر رشد افراد تاثیر گذارند. می‌توان گفت سبک‌های فرزندپروری در واقع تلاش والدین برای اجتماعی کردن فرزندان خود است<sup>(۸)</sup>. پژوهشگران شیوه‌های فرزندپروری را بر اساس دو بعد پذیرندگی - پاسخ دهنده و توقع داشتن - کنترل طبقه بندی کرده‌اند<sup>(۹)</sup>. با توجه به این ابعاد، Baumrind سه نوع الگوی فرزندپروری مقتدرانه، فرزندپروری مستبدانه و فرزندپروری آسان‌گیر را پیشنهاد کرد<sup>(۱۰)</sup>. شیوه فرزندپروری مقتدرانه و اطمینان بخش باعث می‌شود تا فرزندان سرزنده، شاداب، دارای عزت نفس بیشتر و خودکنترلی بالاتر باشند. با شیوه فرزندپروری مستبدانه ممکن است فرزندان مضطرب، ناشاد و ناسازگار تربیت شوند. شیوه فرزندپروری آسان‌گیر باعث می‌شود، فرزند تکانشی، نافرمان، سرکش، متوقع و وابسته بار آمده و عملکرد ضعیفی در مدرسه از خود نشان دهد<sup>(۱۱)</sup>.

پژوهش‌ها نشان داده است که نوع سبک فرزند پروری بر عملکرد تحصیلی، مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای سازگاری<sup>(۱۲)</sup>، اعتیاد به مواد مخدر و الکل<sup>(۱۳)</sup> و سلامت روان<sup>(۱۴)</sup> فرزندان موثر است. پژوهش‌هایی جهت بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری با هوش هیجانی انجام شده است. نتایج پژوهش‌ها نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری و هوش هیجانی<sup>(۱۵)</sup> و همچنین سبک فرزندپروری مادر با هوش هیجانی و مولفه‌های آن در نوجوانان رابطه وجود دارد<sup>(۱۶)</sup>. نتایج برخی مطالعات نیز حاکی از آن است که تمامی ابعاد فرزندپروری با هوش هیجانی و مولفه‌های آن رابطه مثبت و معنی داری دارند<sup>(۱۷)</sup>. سرحدی<sup>(۱۸)</sup> و محمدیاری<sup>(۲۲)</sup> نیز گزارش کردند که بین سبک فرزندپروری مقتدر با هوش هیجانی رابطه مثبت و معنی دار و بین سبک‌های فرزند پروری آسان گیر و مستبد با هوش هیجانی این رابطه منفی و معنی دار بوده است<sup>(۱۹)</sup>.

با توجه به اهمیت سبک‌های فرزندپروری مناسب در سلامت جسمی و روانی کودکان و نوجوانان، تحت تاثیر قرار گرفتن عملکرد شخصی، تحصیلی و اجتماعی دانش آموزان با میزان مطلوب هوش هیجانی آن‌ها و از آنجا که یکی از عوامل موثر در رشد و ارتقاء سطح هوش هیجانی نوجوانان، سبک‌های فرزندپروری والدین آنها است؛ لذا بررسی رابطه این دو متغیر و بررسی تاثیر سبک‌های فرزندپروری در افزایش یا کاهش هوش هیجانی ضروری به نظر می‌رسد. چرا که شیوه‌های فرزندپروری، نامطلوب و ناصحیح، آثار زیان باری بر فرزندان خواهند داشت. در مطالعات محدودی نیز که توسط محققین داخلی در خصوص ارتباط این دو متغیر انجام شده، جامعه هدف آن‌ها محدود بوده و یا دانش آموزان نبوده‌اند و همچنین ابزارهای متفاوتی بکار برده‌اند که در مطالعه حاضر از آن‌ها استفاده نشده است. لذا با توجه به این موارد محقق در این مطالعه سعی داشت تا ارتباط میان سبک‌های فرزندپروری با هوش هیجانی را در جامعه گسترده دانش آموزان دختر و پسر شهر گرگان مورد مطالعه قرار دهد. از

این رو هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی نقش بینی کننده سبک‌های فرزندپروری در هوش هیجانی دانش آموزان بود.

### روش بررسی

مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی (پیش بینی) با هدف پیش بینی هوش هیجانی بر اساس سبک‌های فرزندپروری بود. در طرح‌های همبستگی ارتباط بین دو یا چند متغیر بدون اینکه پژوهشگر کنترلی بر آنها داشته باشد، بررسی می‌شود<sup>(۲۰)</sup>. در مطالعه حاضر نیز ارتباط بین دو متغیر سبک‌های فرزندپروری و هوش هیجانی مورد مطالعه قرار گرفت. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی شهر گرگان در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۹۰ بود. بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی اداره آموزش و پرورش شهرستان گرگان، تعداد کل دانش آموزان ۱۴۸۸۰ نفر بودند که در ۱۶۸ مدرسه (۸۳ مدرسه دخترانه و ۸۵ مدرسه پسرانه) و ۵۹۴ کلاس با تعداد تقریبی ۲۵ دانش آموز در هر کلاس، پراکنده شده بودند. بر اساس جدول Morgan و Krejcie<sup>(۲۱)</sup>، حجم نمونه ۳۷۵ نفر در جامعه ۱۵۰۰۰ نفری کفایت دارد. نمونه گیری با روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شد. در مرحله اول به صورت تصادفی ۱۶ مدرسه (۸ مدرسه دخترانه و ۸ مدرسه پسرانه) از میان ۱۶۸ مدرسه دخترانه و پسرانه مقطع راهنمایی این شهرستان به عنوان خوشه‌های اولیه انتخاب شدند و در مرحله دوم از هر مدرسه (خوشه اولیه) نیز یک کلاس (خوشه ثانویه) انتخاب شد. با احتساب میزان تقریبی تعداد افراد در هر کلاس که ۲۵ نفر بود، ۴۰۰ نفر به عنوان انتخاب شدند. طبق جدول Morgan و Krejcie، تعداد نمونه لازم برای جامعه ۱۵۰۰۰ نفری ۳۷۵ نفر برآورد شد که به منظور جلوگیری از ریزش نمونه، تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. لازم به ذکر است برای انتخاب بهتر گروه نمونه، از میان ۱۶ کلاس (خوشه‌های نهایی)، ۵، ۶، و ۵ کلاس به صورت تصادفی خوشه‌ای به ترتیب برای

پایه اول، دوم و سوم انتخاب شدند. ملاک ورود افراد به مطالعه شامل تمایل جهت شرکت در پژوهش، عدم اعتیاد به مواد، الکل و مواد روانگردان بود. داشتن هر گونه سابقه بیماری روانی و یا مصرف داروهای روان پزشکی نیز به عنوان ملاک‌های خروج از مطالعه در نظر گرفته شد. پس از اخذ مجوزهای لازم از اداره آموزش و پرورش شهرستان گرگان و هماهنگی با مدیران مدارس منتخب، پژوهشگر در کلاس‌ها حضور یافت و در زمینه ماهیت و اهداف پژوهش، چگونگی انجام آن و نقش هر کدام از دانش آموزان در پژوهش توضیحات کامل داد. به تمامی دانش آموزان شرکت کننده در پژوهش نیز اطمینان لازم داده شد که پرسشنامه‌ها بی‌نام بوده و اطلاعات آنها و پاسخ هایشان کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند. جهت انجام پژوهش رضایت کتبی از آنها گرفته شد و تمامی افراد با رضایت آگاهانه وارد فرآیند پژوهش شدند. همچنین از والدین دانش آموزان شرکت کننده در پژوهش نیز رضایت کتبی مبنی بر حضور فرزندشان در روند مطالعه اخذ شد. از تعداد ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شده، تعداد ۱۳ پرسشنامه به دلیل نامعتبر بودن پاسخ‌ها و مخدوش بودن، از مطالعه خارج شد و تجزیه و تحلیل آماری بر روی ۳۸۷ پرسشنامه (۱۹۶ پرسشنامه مربوط به دختران و ۱۹۱ پرسشنامه مربوط به پسران دانش آموز) انجام شد.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش شامل پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه‌های هوش هیجانی Bar-on و سبک‌های فرزندپروری Baumrind بود.

### پرسشنامه استاندارد هوش هیجانی

(Emotion Quotient Intelligence; EQI) شامل ۱۱۷ ماده برای ۱۵ مقیاس بود که توسط Bar-on بر روی ۳۸۳۱ نفر از ۶ کشور آرژانتین، آلمان، هند، نیجریه و آفریقای جنوبی اجرا شد. نتایج حاصل از هنجاریابی نشان داد که آزمون، از روایی و پایایی مناسبی برخوردار بود. تا کنون مطالعات متعددی درباره روایی و پایایی آن انجام شده است و این ابزار به ۲۲ زبان ترجمه شده و داده‌های

هنجار شده آن در بیش از پنج کشور جمع‌آوری شده است. این پرسشنامه در مقایسه با سایر پرسشنامه‌های خود گزارش دهی خلاصه‌تر بوده و نخستین پرسشنامه‌ای است که به طور تجربی در مورد هوش هیجانی ساخته شده و در دسترس است<sup>(۱۰)</sup>. پرسشنامه حاضر بر روی دانشجویان ایرانی هنجاریابی شده و به ۹۰ عبارت کاهش یافته است<sup>(۲۲)</sup>. خودآگاهی هیجانی، خود ابرازی، عزت نفس، خود شکوفایی، استقلال، همدلی، مسئولیت پذیری، روابط بین فردی، واقع گرایی، انعطاف پذیری، حل مسئله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانش، خوش بینی و خوشبختی مقیاس‌هایی هستند که توانایی‌های پنج گانه مدل Bar-on آن را ارزیابی می‌کنند. پاسخ‌های آزمون بر مقیاس پنج درجه‌ای در طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی، مخالفم، کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. نمره گذاری از پنج به یک (کاملاً موافقم، ۵ و کاملاً مخالفم، ۱) و در بعضی ماده‌ها با محتوای منفی یا معکوس از یک به پنج (کاملاً مخالفم، ۵ و کاملاً موافقم، ۱) انجام می‌شود. نمره کلی هر مقیاس، برابر با مجموع نمرات هر یک از ماده‌های آن مقیاس و نمره کل آزمون برابر با مجموع نمرات ۱۵ مقیاس است. نمرات بالای میانگین در هوش هیجانی، نشان دهنده شخصی است که به طور بالقوه از لحاظ هیجانی و اجتماعی دارای عملکرد مؤثری است. از طرف دیگر نمرات پایین نشان دهنده ناتوانی برای موفقیت در زندگی و احتمال وجود مشکلات رفتاری، هیجانی و اجتماعی است. ضریب باز آزمایی در تحقیق انجام شده توسط Bar-On پس از یک ماه ۰/۸۵ و بعد از ۴ ماه ۰/۷۵ گزارش شده است. در بررسی دیگری که در هفت نمونه از جمعیت‌های مختلف انجام شد، ضریب همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۶۹ (مسئولیت پذیری) تا ۰/۸۶ حرمت نفس با میانگین ۰/۷۶ بدست آمد<sup>(۲۲)</sup>.

برای ارزیابی سبک‌های فرزندپروری نیز از پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری Parenting Baumrin Styles Questionnaire (BPSQ) استفاده شد. این پرسشنامه ۳۰ گویه دارد که ۱۰ گویه آن سبک سهل گیر، ۱۰ گویه سبک مستبد و ۱۰ گویه سبک مقتدر را می‌سنجند. پاسخ دهندگان به این پرسشنامه پاسخ‌های خود را روی یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً موافقم (۴) تا کاملاً مخالفم (۰) ثبت می‌کنند. کمترین و بیشترین نمره برای هر سبک فرزندپروری به ترتیب ۰ و ۴۰ است. میزان پایایی این پرسشنامه را Baumrind با استفاده از روش بازآزمایی با فاصله زمانی یک هفته، ۰/۸۱ برای سبک آسان گیر، ۰/۸۵ برای سبک مستبد و ۰/۹۲ برای سبک مقتدر پدران گزارش کرد<sup>(۲۳)</sup>. اسفندیاری پایایی آزمون را به شیوه باز آزمایی و با فاصله زمانی یک هفته برای شیوه سهل گیرانه (۰/۶۹)، شیوه استبدادی (۰/۷۷) و شیوه قاطع (۰/۷۳)، اطمینان بخش گزارش نمود. روایی محتوای آزمون نیز توسط ۱۰ نفر از صاحب نظران روان شناسی و روانپزشکی مورد تایید قرار گرفت<sup>(۲۴)</sup>. در این پژوهش نیز میزان آلفای کرونباخ برای سه خرده مقیاس سهل گیرانه، مستبدانه و مقتدرانه به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۶ و ۰/۷۰ محاسبه گردید.

به منظور تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها از میانگین و انحراف معیار و برای تجزیه و تحلیل استنباطی از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه در سطح معنی داری  $P < 0/05$  استفاده شد. آنالیز داده‌ها نیز با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۰ انجام شد.

#### یافته‌ها

اطلاعات جمعیت شناختی آزمودنی‌های پژوهش و والدین آنها در جدول شماره ۱ گزارش شده است.

جدول شماره ۱: توزیع سطح تحصیلات، سن و پایه تحصیلی دانش آموزان و والدین آنها

والدین	میانگین سن	مقدار	زیر دیپلم و دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	لیسانس و فوق دکتری	دانش آموزان	پایه اول	پایه دوم	پایه سوم	میانگین سن
پدر	۴۶/۳۳	فراوانی درصد نسبی	۸۹	۹۶	۱۵۷	۴۵	دختر	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۳۷	۱۳/۲
مادر	۳۷/۱۳	فراوانی درصد نسبی	۱۳۱	۱۱۸	۱۰۶	۲۲	پسر	۰/۳۰	۰/۳۶	۰/۳۴	۱۳/۶

در جدول شماره ۲ یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول شماره ۲: یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای سبک‌های فرزند پروری و هوش هیجانی

متغیر	انحراف معیار $\pm$ میانگین	بیشترین نمره	کمترین نمره	تعداد
آسان گیر	۲۱ $\pm$ ۹/۱۴	۳۷	۱۰	۳۸۷
سبک فرزندپروری مستبد	۲۰/۸۸ $\pm$ ۹/۵۵	۳۶	۸	
مقتدر	۲۱/۶۶ $\pm$ ۷/۹۶	۳۴	۱۱	
هوش هیجانی	۲۳۵/۳۳ $\pm$ ۳۸/۴۳	۳۰۷	۱۹۶	

وجود همبستگی منفی و معنی دار سبک فرزندپروری مستبد ( $r = -0/41$ ) و سبک فرزندپروری آسان گیر ( $r = -0/21$ ) با هوش هیجانی نشان دهنده این مطلب است که هرچه استفاده والدین از این دو سبک فرزندپروری بیشتر شود، رشد هوش هیجانی نوجوانان کمتر خواهد شد.

مطابق جدول شماره ۳، تمامی ابعاد سبک‌های فرزند پروری همبستگی معنی داری ( $P < 0/001$ ) با هوش هیجانی دانش آموزان داشت. سبک فرزندپروری مقتدر نیز با هوش هیجانی همبستگی مثبت و معنی دار ( $r = 0/79$ ) نشان داد و با بکارگیری سبک فرزندپروری مستبد، هوش هیجانی نوجوانان افزایش یافت. ازطرفی

جدول شماره ۳: ماتریس همبستگی میان متغیرهای سبک‌های فرزند پروری و هوش هیجانی

سبک‌های فرزند پروری	آسان گیر	مستبد	مقتدر
هوش هیجانی	-0/21**	-0/41**	0/79**
هوش هیجانی			

\*\*  $p < 0/001$  \*  $p < 0/05$

هیجانی را تبیین نمود. مقدار F و سطح معنی داری آن نیز نشان داد که این مقدار همبستگی و ضریب تعیین ( $F = 930/47, P < 0/001$ )، در مدل رگرسیونی معنی دار بود. همچنین مقادیر ضرایب رگرسیونی در جدول شماره

اطلاعات مندرج در جدول شماره ۴ نشان داد ضریب همبستگی چند گانه بین ابعاد سبک‌های فرزند پروری و هوش هیجانی معنی دار ( $R = 0/93, P < 0/001$ ) بود و به صورت مشترک ۸۷ درصد واریانس متغیر هوش

موجب ۰/۶۲ واحد کاهش در هوش هیجانی می‌شود. همچنین افزایش یک واحد در سبک فرزندپروری آسان گیر با ۰/۲۶ واحد کاهش در هوش هیجانی همراه است. جهت تأثیرات نشان داد که سبک مقتدر، پیش بینی کننده مثبت بوده و سبک‌های مستبد و آسان گیر، پیش بینی کننده منفی هوش هیجانی هستند.

۴ نشان دهنده سهم هریک از سبک‌های فرزندپروری در پیش بینی هوش هیجانی است. بر اساس ضرایب  $\beta$  مندرج در جدول شماره ۴، در صورت ثابت بودن سایر شرایط، افزایش یک واحد در سبک فرزندپروری مقتدر با ۰/۷۱ واحد افزایش در هوش هیجانی همراه است و یک واحد افزایش در سبک فرزندپروری مستبد نیز

جدول شماره ۴: پیش بینی هوش هیجانی بر اساس سبک فرزند پروری

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	B	خطای استاندارد	$\beta$	T	Sig
	مقتدر	۲/۹۹	۰/۰۹۱	۰/۷۱	۳۲/۸	۰/۰۰۰
هوش هیجانی	مستبد	-۲/۵۲	۰/۰۹۸	-۰/۶۲	-۲۵/۷۵	۰/۰۰۰
	آسان گیر	-۱/۲۵	۰/۱۳۵	-۰/۲۶	-۹/۳۳	۰/۰۰۰

$$R^2 = ۰/۹۳^{**} \quad ADR2 = ۰/۸۷^{**} \quad F = ۹۳۰/۴۷^{**}$$

\*\* p<۰/۰۰۱ \* p<۰/۰۵

### بحث و نتیجه گیری

در تبیین نتایج بدست آمده می‌توان گفت هر یک از سبک‌های فرزندپروری، فضای هیجانی متفاوتی را خلق می‌کند و از این طریق به تحول هوش هیجانی کمک می‌کند. در طول فرآیند اجتماعی سازی، والدین اولین بافت برای شناخت و انتقال پیام‌های عاطفی هستند. پیام‌های عاطفی با این هدف به فرزندان منتقل می‌شوند که آن‌ها را در تفسیر و پاسخ دهی مناسب به این پیام‌ها کمک کنند. ابرازگری هیجانی والدین و فضای هیجانی که آن‌ها از طریق سبک فرزندپروری خود خلق می‌کنند، کودکان را در بکار بردن ارتباط هیجانی در تعاملات اجتماعی روزانه و معمول کمک می‌کند و یادگیری هیجانی را در ورای کسب مهارت‌های اجتماعی پیش می‌برد تا بتوانند از قواعد هیجان در زمینه‌های مختلف استفاده کنند<sup>(۲۴)</sup>.

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری در پیش بینی هوش هیجانی دانش آموزان انجام شد. یافته‌های پژوهش بیانگر این بود که از میان سبک‌های فرزندپروری، سبک فرزندپروری مقتدر با هوش هیجانی رابطه مثبت و معنی دار دارد و سبک‌های فرزندپروری مستبد و آسان گیر با هوش هیجانی رابطه منفی و معنی دار دارند و هر سه سبک فرزندپروری به طور همزمان ۰/۸۳ از تغییرات هوش هیجانی را تبیین می‌کنند. همچنین نتایج بدست آمده نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه، قدرتمندترین پیش‌بینی هوش هیجانی در دانش آموزان بوده و به طور مثبتی آن را پیش بینی می‌کند. در حالی که سبک‌های فرزندپروری مستبد و آسان‌گیر به طور منفی توان پیش بین هوش هیجانی را داشتند. نتایج بدست آمده با یافته‌های تحقیقات Elena Nastas و Sala<sup>(۱۵)</sup>، Joshi و Dutta<sup>(۱۶)</sup>، سعادت اصغری و بشارت<sup>(۱۷)</sup>، سرحدی<sup>(۱۸)</sup>، محمد یاری<sup>(۱۹)</sup>، Shalini و Balakrishna Acharya<sup>(۲۵)</sup>، عبدالمهی و همکاران<sup>(۲۶)</sup> Li، Lee و Thammawijaya<sup>(۲۷)</sup> همسو بوده و در تایید نتایج آن‌ها است.

والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه، استانداردهای بسیار روشنی را برای خود تعیین کرده و اطمینان می‌یابند که آن قواعد اجرا خواهد شد و در صورت لزوم نیز از تحریم‌های تعیین شده استفاده می‌کنند. آنها با احساسات فرزندان خود هماهنگ می‌شوند و از شرایط هیجانی استفاده می‌کنند تا درک کنند دقیقا چه چیزی آنها را

ناراحت کرده و از این طریق به آنها در شناسایی راه‌های مناسب پاسخ‌گویی به شرایط کمک می‌کنند. همچنین والدین به جای تحمیل کردن خواسته‌ی خود، به نوجوانان این فرصت را می‌دهند که گشودگی هیجانی و استقلال را تجربه کرده و منطبق پنهان شده در کار انجام شده را در یابند<sup>(۲۸)</sup>. مشخصه‌های سبک مقتدر مانند گرمی، حمایت هیجانی، پذیرش، درگیری و ترکیبی از آزادی و کنترل، نوعی فضای هیجانی را خلق و انتقال می‌دهد که در آن نوجوانان قادر می‌شوند تا با احساسات خود و همچنین دیگران درگیر شوند. این مساله به آنها کمک می‌کند تا از احساسات موجود در هر آنچه که توسط والدین انتقال داده می‌شود، آگاه شوند. خودآگاهی به تنظیم خودمختار هیجانات خود منجر می‌شود. بنابراین، آگاهی و مدیریت بین فردی جایگزین آگاهی و مدیریت درون فردی می‌شود<sup>(۲۹،۳۰)</sup>.

در واقع والدینی دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه، هم‌پذیرنده و هم‌پاسخ‌دهنده بوده و سبک درخواست‌کنندگی و کنترل بالایی دارند. این والدین قوانین واضح و روشنی را وضع کرده و اصول بنیادی، قواعد و محدودیت‌ها را توضیح داده و بچه‌ها را مجبور به اجرای آنها می‌کنند. اینجا والدین با نیازهای رشدی فرزندان سازگار بوده و ارزش زیادی به رشد خود مختاری می‌دهند تا بتوانند در تصمیم‌گیری و استقلال نیرومند شوند. در نتیجه استفاده از این شیوه فرزندپروری، هوش هیجانی نوجوانان قابلیت رشد و پرورش یافته و از هوش هیجانی بالاتری نسبت به سایر نوجوانان برخوردار هستند. در تبیین این مساله که چرا دو سبک فرزندپروری مستبد و آسان‌گیر کمکی به رشد هوش هیجانی فرزندان نمی‌کنند و نوجوانان والدینی که از این دو سبک در فرزندپروری فرزندان خود بهره می‌گیرند از نظر هوش هیجانی در سطح پایینی قرار دارند، باید گفت که در سبک فرزندپروری مستبد، والدین قوانین خاصی را اعمال می‌کنند و از بچه‌ها نیز انتظار دارند تا از آن قوانین بدون چون و چرا و بدون دادن هیچ توضیحی اطاعت کنند.

والدین مستبد از تکنیک‌های قهری استفاده می‌کنند. این والدین غیر حمایت‌کننده بوده، به استقلال فرزندان اهمیت نمی‌دهند و قوانین خود را به صورت انعطاف‌ناپذیری تحمیل می‌کنند. ابراز محبت و صمیمیت آنها نسبت به کودکان در سطح پایین بوده، امایل فرزندان را در نظر نمی‌گیرند و عقاید آنها را جویا نمی‌شوند. نوجوانانی که والدین مستبدی دارند، ثبات روحی و فکری نداشته و خود را بدبخت می‌پندارند، این نوجوانان زود ناراحت شده و در برابر فشارهای روانی آسیب‌پذیرند. در سبک فرزندپروری آسان‌گیر نیز، هیچ ملاک و معیاری برای تربیت کودکان وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، بنا بر شرایط و مقتضیات تغییر می‌کند و هرج و مرج بر خانواده حاکم است. مشخص نبودن ضوابط، پیروی از تمایلات را شدت بخشیده و نوجوان را از برخورد با واقعیت‌های زندگی دور می‌سازد. نوجوانان والدین آسان‌گیر افرادی بی‌بند و بار، سهل‌انگار، خودخواه و بی‌هدف هستند. میزانی برای اعمال و رفتار خود ندارند، احساس مسوولیت نمی‌کنند و قادر به زندگی اجتماعی مطلوب نمی‌باشند. با توجه به این موارد و پیامدهای بکارگیری این دو شیوه فرزندپروری که مشکلات بسیاری را برای نوجوانان فراهم می‌کند، انتظار می‌رود، نوجوانان والدین دارای سبک فرزندپروری مستبد و آسان‌گیر به لحاظ هوش هیجانی در سطح پایینی قرار داشته باشند.

در این پژوهش به بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده سبک‌های فرزندپروری در هوش هیجانی دانش‌آموزان پرداخته شد و نشان داده شد که سبک‌های فرزندپروری قادر به پیش‌بینی تغییرات هوش هیجانی هستند. از میان سه سبک فرزندپروری بررسی شده در این پژوهش، سبک فرزندپروری مقتدر قوی‌ترین پیش‌بین هوش هیجانی بود و توانست به طور مثبت و معنی‌داری هوش هیجانی را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کند. همچنین بنظر می‌رسد یافته‌های پژوهش حاضر در سطح نظری و عملی می‌تواند مفید باشد. در سطح نظری این یافته‌ها بر نقش و اهمیت سبک‌های فرزندپروری در ارتقا و رشد هوش هیجانی

خدمت در قالب برنامه‌های توسعه فردی و حرفه‌ای، نظیر برنامه مدیریت خشم، مدیریت تنش، مشاوره، راهنمایی و مدیریت زمان در این زمینه اقدام نمایند.

این پژوهش نیز همانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی است که ایجاب می‌نماید در تعمیم نتایج به آنها توجه شود. از آنجا که داده‌های بدست آمده از سوی آزمودنی‌ها به صورت خودگزارشی بود، احتمال گزارش بیش از اندازه یا کمتر از اندازه واقعی پاسخ‌ها وجود داشت، همچنین رای‌های پاسخ غیر واقعی افراد ناشی از درک نادرست پرسش‌ها نیز می‌تواند نتایج را مخدوش سازد. از آنجایی که این مطالعه بر روی دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر گرگان انجام شده است، نتایج آن را نمی‌توان به دانش آموزان مدارس سایر شهرها تعمیم داد. از محدودیت‌های دیگر این پژوهش این بود که این مطالعه از نوع همبستگی بود، بنابراین استنباط علی از نتایج باید با احتیاط صورت گیرد. پیشنهاد می‌شود این پژوهش با حجم نمونه بزرگتر و با ویژگی‌های متفاوت انجام شود تا بتوان با اطمینان بیشتری از نتایج تحقیق استفاده کرد. توصیه می‌گردد در تحقیقات آتی نقش متغیرهای دیگری مانند ویژگی‌های شخصیتی، سلامت روان و سایر موارد در پیش بینی هوش هیجانی مورد بررسی قرار داده شود. نتایج پژوهش کنونی بر اهمیت سبک‌های فرزندپروری و هوش هیجانی برای مشاوران و روانشناسان خانواده‌ها تأکید می‌کند. بنابراین مشاوران و روانشناسان می‌توانند اقداماتی در بررسی نوع سبک فرزندپروری، سطح هوش هیجانی و همچنین آموزش شیوه‌های فرزندپروری صحیح به منظور رشد و ارتقا سطح هوش هیجانی فرزندان انجام دهند. همچنین به مشاوران و روانشناسان حوزه خانواده پیشنهاد می‌شود با برگزاری کلاس‌های آموزشی و تربیتی، والدین را از سه سبک فرزندپروری و پیامدهای آنها آگاه کرده و مهارت‌هایی را برای فرزندپروری به سبک مقتدر در اختیار والدین قرار دهند.

تاکید می‌کنند. روشن شدن تاثیر این سبک‌ها بر هوش هیجانی دانش آموزان، نقش و اهمیت محیط خانواده را نشان می‌دهد. چرا که لازم است والدین نسبت به آنها آگاه بوده و نیازها و توانایی‌هایی فرزندان را به خوبی بشناسند. در سطح عملی بر اساس یافته‌های پژوهش، به والدین توصیه می‌گردد با توجه به تاثیر مثبتی که سبک فرزندپروری مقتدر بر افزایش و رشد هوش هیجانی فرزندان می‌گذارد، با دریافت آگاهی‌ها و آموزش کافی بکوشند تا برای تربیت فرزندان خود از این سبک فرزندپروری استفاده کنند.

هوش هیجانی یکی از متغیرهای مهم و کلیدی در مطالعه حاضر است. در ضرورت پرداختن به مفهوم هوش هیجانی در حرفه پرستاری، می‌توان گفت پرستاران به خاطر درک هیجان‌ها، نگرانی‌های بیماران، ارائه همدلی در انجام مراقبت و همچنین درک و مدیریت هیجان‌های خود نه تنها در جهت ارائه مراقبت مطلوب به بیماران، بلکه در جهت ارتقای سلامت روحی و روانی خود نیز به هوش هیجانی نیازمندند. هوش هیجانی می‌تواند نقش مهمی در محیط کار ایفا کند. از آنجا که پرستاری حرفه‌ای مهم و در عین حال مبتنی بر فرایندهای روابط بین فردی است، نقش هوش هیجانی در این حرفه پر رنگ تر به نظر می‌رسد. با توجه به این مسئله، می‌بایست در غربالگری و استخدام پرستاران، به میزان بهره مندی آنان از هوش هیجانی توجه ویژه نمود. بر این اساس با استفاده از ابزارهای اندازه گیری هوش هیجانی، می‌توان افرادی را گزینش کرد که از لحاظ مهارت‌های ارتباطی تناسب بیشتری با این حرفه دارند. از آنجا که هوش هیجانی قابل یادگیری است، پیشنهاد می‌شود با افزودن مباحث مرتبط با مفهوم هوش هیجانی نظیر مدیریت هیجان‌ها، خود کنترل، خود آگاهی، اخلاق و روان شناسی بین فردی در محتوای دروس مقاطع تحصیلی پرستاری، پرستاران آینده را به این موهبت الهی مجهز نماییم. امکان آموزش و یادگیری هوش هیجانی در مورد پرستاران شاغل نیز فراهم است. مناسب است تا مدیران با طراحی برنامه‌های آموزش ضمن



**تقدیر و تشکر**

آموزش و پرورش شهرستان گرگان و تمامی مدیران مدارس که با پژوهشگران همکاری داشتند و نیز تمامی دانش آموزان شرکت کننده در این پژوهش که صمیمانه محققین را یاری نمودند، تشکر و قدردانی نمایند.

این پژوهش بر گرفته از رساله دکتری نویسنده اول در آکادمی تحصیلات تاجیکستان است. پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند تا از همکاری و مساعدت مدیر کل محترم

**فهرست منابع**

1. Bahrami N, Najafvand Derikvandi S, Bahrami S, Karami Varnamkhsti P, Mehdi Pourkoozani L. [The Status of Emotional Intelligence and its Association with Demographic Variables among Students of Dezfoul University of Medical Sciences in 2013]. *Jundishapur Scientific Medical Journal*. 2015;14(3):283-93. Persian
2. Akbari M, Rezaeian H, Modi M. [Investigation of emotional intelligence of students of Arak University and its relationship with computer anxiety]. *Periodical of mental health principles*. 2007;9(35-36):129-34. Persian
3. Goleman D, Boyatzis R, McKee A. Primal leadership: Unleashing the power of emotional intelligence: 10<sup>th</sup> ed. Harvard Business School Press: 2013; pp:102
4. Benson G, Ploeg J, Brown B. A cross-sectional study of emotional intelligence in baccalaureate nursing students. *Nurse Educ Today*. 2010;30(1):49-53.
5. Por J, Barriball L, Fitzpatrick J, Roberts J. Emotional intelligence: Its relationship to stress, coping, well-being and professional performance in nursing students. *Nurse Educ Today*. 2011;31(8):855-60.
6. Arefnasab Z, Zare H, Babamahmoodi A. [Emotional Intelligence and Problem Solving Strategy: Comparative Study Basedon" Tower of Hanoi" Test]. *Iran J Psychiatry Behav Sci*. 2012;6(2):62. Persian
7. Chew BH, Zain AM, Hassan F. Emotional intelligence and academic performance in first and final year medical students: a cross-sectional study. *BMC Med Educ*. 2013;13(1):1.
8. Shechory-Bitton M, David SB, Sommerfeld E. Effect of Ethnicity on Parenting Styles and Attitudes Toward Violence Among Jewish and Arab Muslim Israeli Mothers An Intergenerational Approach. *J Cross Cult Psychol*. 2015;46(4):508-24.
9. Webster-Stratton C, Herman KC. The impact of parent behavior-management training on child depressive symptoms. *J Couns Psychol*. 2008;55(4):473-84.
10. Baumrind D. The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *J Early Adolesc*. 1991; 11(1):56-95.
11. Sepehrian F, Saribagloo JA, Mahmoudi H, Ketabi A. [Parenting styles and adolescents' self-esteem: Mediatory role of satisfying basic psychological needs]. *International Journal of Behavioral Sciences*. 2013;7(2):151-8. Persian
12. Turner EA, Chandler M, Heffer RW. The influence of parenting styles, achievement motivation, and self-efficacy on academic performance in college students. *J Coll Stud Dev*. 2009;50(3):337-46.
13. Suchman NE, Luthar SS. Maternal addiction, child maladjustment and socio-demographic risks: Implications for parenting behaviors. *Addiction*. 2000; 95(9): 1417-28.
14. Dwairy M. Parenting styles and mental health of Palestinian-Arab adolescents in Israel. *Transcult Psychiatry*. 2004; 41(2):233-52.
15. Nastas L-E, Sala K. Adolescents' emotional intelligence and parental styles. *Procedia Soc Behav Sci*. 2012;33:478-82.
16. Joshi D, Dutta I. A Correlative Study of Mother Parenting Style and Emotional Intelligence of Adolescent Learner. *IJISR*. 2015; 13(1): 145-51.
17. Asghari MS, Besharat MA. [The relation of perceived parenting with emotional intelligence]. *Procedia Soc Behav Sci*. 2011;30:231-5. Persian.
18. Sarhaddi M. [Evaluation the relationship between parenting styles and emotional intelligence of gifted and normal students in high Schools of zahedan]. *RRAMT*. 2014; 40(1): 94-9. Persian

19. Mohammadyari G. [The Relationship Between Parental Style and Emotional Intelligence among Students of Payame Noor University]. *Proceeding of the Global Summit on Education*. 2013: 853-8. Persian
20. Sarmad Z, Bazargan A, Hejazi E. [Research methods in behavioral sciences]. Tehran: Agah Publications. 2004. Persian
21. Ghasemi Jobaneh R, Arab Zadeh M, Jalili Nikoo S, Mohammad Alipour Z, Mohsenzadeh F. [Survey the validity and reliability of the persian version of short form of freiburg mindfulness inventory]. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*. 2015;14(2):137-50. Persian
22. Hossienzad A, Alizadeh S, Khademi A, Mosarezaie Moqaddam A. [Comparison of Personality Traits and emotional Intelligence in Female and Male Patients with Multiple Sclerosis]. *Urmia Medical Journal*. 2015;26(1):81-91. Persian
23. Moradian J, Alipour S, Shehni Yailagh M. [The causal relationship between parenting styles and academic performance mediated by the role of academic self-efficacy and achievement motivation in the students]. *Family Psychology*. 2014; 1(1):63-74. Persian
24. Shekarbeygi AR, Yasaminejad P. [Comparison of parenting styles, self-esteem and general health of delinquent and normal adolescents in Kermanshah]. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*. 2012; 2(2):178-92. Persian
25. Shalini A, Acharya Y. Perceived Paternal Parenting style on Emotional Intelligence of Adolescents. *Guru Journal of Behavioral and Social Sciences*. 2013;1(4):194-202.
26. Abdollahi A, Abu Talib M, Motalebi SA. [Perceived parenting styles and emotional intelligence among Iranian boy students]. *Asian Journal of Social Sciences & Humanities*. 2013;2(3):460-7. Persian
27. Lee S-J, Li L, Thammawijaya P. Parenting styles and emotional intelligence of HIV-affected children in Thailand. *AIDS Care*. 2013;25(12):1536-43.
28. Chen FS, Lin YM, Tu CA. A study of the emotional intelligence and life adjustment of senior high school students. *World transactions on engineering and technology education*. 2006;5(3):473-6.
29. Zakeri H, Karimpour M. [Parenting styles and self-esteem]. *Procedia Soc Behav Sci*. 2011;29:758-61. Persian
30. Markazi L, Badrigargari R. [The Role of Parenting Self-Efficacy and Parenting Styles on Self-Regulation Learning in Adolescent Girls of Tabriz]. *Procedia Soc Behav Sci*. 2011;30:1758-60. Persian

## The Predictive Role of Parenting Styles in Emotional Intelligence of Students

\*Khajeh N. PhD<sup>1</sup>

Shayof D. PhD.<sup>2</sup>

### Abstract

**Background & Aim:** Emotional intelligence plays a role in the all aspects of individual life through using emotions in gaining motivation and effective communication. The aim of the present study was to investigate the predictive role of parenting styles in student emotional intelligence.

**Materials & Methods:** It was a cross-sectional study. Statistical population was including the entire girls and boys student in the Middle Schools of Gorgan city in 2010-2011 and 387 individuals (196 girls and 191 boys) were selected through multi-stage clustering sampling method. The study instruments were Baumrind Parenting Styles and Bar-An Emotion Quotient Intelligence questionnaires a. Data were analyzed by SPSS v20.

**Results:** The results showed that parenting styles had a significant relationship with emotional intelligence of students, and they predicted 0.87 the variance of emotional intelligence. Also, the authoritative parenting styles were the strongest predictor of emotional intelligence among students with 0.71 positive predictive values. Authoritarian and permissive parenting styles explained the variations of emotional intelligence with negative prediction values of 0.62 and 0.26, respectively.

**Conclusion:** Based on our results, parenting styles is an important agent in predicting emotional intelligence of students. Therefore it is proposed that school counselors teach proper parenting in order to improve emotional intelligence of students.

**Keywords:** Emotional Intelligence, Education, Motivation

Received: 19 Sep 2015

Accepted: 21 Dec 2015

---

<sup>1</sup> PhD in Educational Psychology, Department of Educational Psychology, Institute of Development of Education, Tajikistan Academy of Education, Doshanbeh, Tajikistan(\*Corresponding author). Tel: +98 09111718961  
Email: Nazanin.Khajeh@yahoo.com

<sup>2</sup> PhD in Educational Psychology, Department of Educational Psychology, Institute of Development of Education, Tajikistan Academy of Education, Doshanbeh, Tajikistan.